

ضرورت تأسیس دیوان بین‌المللی محیط زیست

هیبت‌الله نژندی منش*

افسانه اسکندر زاده**

بخش دوم

دارد. سرانجام، برای دعاوی که از سوی طرفهای خصوصی یا برضد آنها طرح شده، يك حالت قوی می‌توان ایجاد کرد که بیشترین نیرو باید بر نقش تقویت‌کننده و کارآیی دادگاههای داخلی متمرکز شود.^{۹۳}

آنچه که امروزه جای آن خالی است سازوکار اجباری رسیدگی به اختلافات است که دولتها، و شاید عوامل غیردولتی، بتوانند خود به خود در زمینه اجرای پیمانهای اصلی زیست محیطی دوران کنونی (مانند CITES، پروتکل مونترال و کنوانسیون تغییرات آب و هوایی) به دادگاه متوسل شوند. در زمینه این موافقتنامه‌های چندجانبه زیست محیطی نباید پرسید که «آیا به يك دیوان بین‌المللی محیط زیست نیاز داریم؟» بلکه، برعکس، باید پرسید که «چگونه می‌توانیم دولتها را وادار سازیم تا در زمینه آیینهای

۴ - دیوان جهانی محیط زیست: یک سازوکار

قضایی تازه

در صورتی که قصد دیوان بین‌المللی محیط زیست تنها آسان‌سازی رسیدگی به اختلافات بین‌المللی با زمینه‌ای گسترده باشد آن هم با توافق طرفهای اختلاف، تأسیس این دیوان سود چندانی نخواهد داشت.^{۹۲} همانگونه که پیش از این گفته شد، امروزه دو سازوکار سازگار برای حل اختلافات زیست محیطی، از جمله اختلافاتی که در آنها عوامل غیردولتی حضور دارند، وجود دارد (دیوان دائمی داوری و ICEAC). افزون بر آن، با توافق طرفین، دعاوی میان دولتها را همواره می‌توان به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داد که به نظر می‌رسد به خوبی آمادگی رسیدگی به دعاوی زیست محیطی را

*دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

**کارشناس حقوقی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

(WEO)^{۹۸}، یا هر گونه نهاد دیگری که تمام موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی موجود را هماهنگ سازد،^{۹۹} تشکیل یک دیوان بین‌المللی محیط زیست شاید از نظر سیاسی برای دولت‌ها پذیرفتنی باشد. در واقع، یک دیوان نوین و کارآمد جهانی محیط زیست باید به ارزیابی شرایط روز به عنوان بخشی از یک چانه‌زنی کلی بپردازد که بتواند به تشکیل یک سازمان جهانی محیط زیست نوینی منجر شود. بنابراین، این دیوان می‌تواند مصالحه‌ای (یا تعادلی) در مجموعه گسترده‌ای از تعهدات قابل پذیرش برای همه باشد. افزون بر این، آنگاه دولتهای عضو قادر خواهند بود تا صلاحیت این دیوان بین‌المللی محیط زیست را به دعاوی محدود سازند که بر اساس موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی خاصی مطرح شوند (از این رو خطرات ناشی از اصطکاک با دیگر سازوکارهای رسیدگی به اختلافات را محدود می‌سازد) و همچنین این دیوان را دست کم زیر نظارت ارکان سیاسی

○ تأسیس یک دیوان بین‌المللی محیط زیست شاید راه حل دلخواهی نباشد؛ ولی به نظر می‌رسد بهتر است از اینکه: (۱) هیچگونه رسیدگی مبتنی بر قانون بر اساس حقوق بین‌المللی محیط زیست صورت نگیرد یا (۲) برای هر موافقت‌نامه چندجانبه زیست محیطی یک آیین قضایی مستقل و یک رکن رسیدگی به اختلافات تأسیس شود.

به ویژه در کنار سازمان جهانی محیط زیست (WEO)، یا هر گونه نهاد دیگری که تمام موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی موجود را هماهنگ سازد، تشکیل یک دیوان بین‌المللی محیط زیست شاید از نظر سیاسی برای دولت‌ها پذیرفتنی باشد.

الزام آور و قانونمند رسیدگی به اختلافات به توافق برسند؟» و در اینجا تجربه نشان می‌دهد که دولتها آسانتر به دادگاهها و دیوانهای تخصصی یا سازوکارهای اجرایی جایز برای اجرای دعاوی خاص قراردادی صلاحیت اجباری را اعطا می‌کنند.^{۹۴} بهترین نمونه‌های آن در سطح شبه جهانی عبارتند از: سازوکارهای حل و فصل اختلافات در کنوانسیون حقوق دریا (۱۹۸۲) و سازمان تجارت جهانی. سازوکارهای اجرایی که امروزه بر اساس پروتکل کیوتو در حال گسترش است موید این گرایش است.^{۹۵} همان‌گونه که شماری از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرده‌اند (تنها در زمینه کنوانسیون ۱۹۸۲، نه در مورد سازمان تجارت جهانی)^{۹۶} چقدر خوب بود - دست کم برای نظام حقوق بین‌المللی در کل - که این صلاحیت اجباری سازمان تجارت جهانی یا کنوانسیون ۱۹۸۲ به دیوان بین‌المللی دادگستری داده می‌شد. اما واقعیت این است که دولتها به انجام چنین کاری گرایش نداشتند.^{۹۷} همین امر در مورد موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی درست است. اگر دولتها می‌خواستند به شعبه زیست محیطی دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به اختلافات راجع به تفسیر و اجرای موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی اعطای صلاحیت کنند، این امر به خوبی می‌تواند راه حل خوشبینانه‌ای باشد (با دگرگونی اندکی در آیینهای دیوان بین‌المللی دادگستری، بویژه در زمینه سرعت عمل و قابلیت دسترسی برای طرفهای غیردولتی، البته تنها مانند مشاور دادگاه) اما این گسترش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری از نظر سیاسی بعید است. در این زمینه، تأسیس یک دیوان بین‌المللی محیط زیست شاید راه حل دلخواهی نباشد؛ ولی به نظر می‌رسد بهتر است از اینکه: (۱) هیچگونه رسیدگی مبتنی بر قانون بر اساس حقوق بین‌المللی محیط زیست صورت نگیرد یا (۲) برای هر موافقت‌نامه چندجانبه زیست محیطی یک آیین قضایی مستقل و یک رکن رسیدگی به اختلافات تأسیس شود. به ویژه در کنار سازمان جهانی محیط زیست

جدا از مجموعه گسترده حقوق بین‌المللی بنا می‌نهد. گذشته از مزایایی که يك دیوان بین‌المللی محیط زیست در رابطه با تخصص، مصلحت، مقبولیت سیاسی و بخشی برای يك رژیم تازه از سازمان جهانی محیط زیست دارد، قطعی است که این دیوان بین‌المللی محیط زیست تخصصی [در موارد زیر] فعالیت خواهد کرد:

الف) به عنوان دیوانی براساس حقوق بین‌المللی به مفهوم فراگیر و نه تنها در «چهارچوب» حقوق بین‌المللی محیط زیست؛ همچنین
ب) در تشریح مساعی تنگاتنگ با دیگر سازمانها، دادگاهها و دیوانهای بین‌المللی و جامعه غیر دولتی گسترده‌تر.

اگر این دو رهنمود به کار گرفته شوند، رشد دادگاههای بین‌المللی، از جمله تأسیس دیوان جهانی محیط زیست، نمی‌تواند مشکلات سیستماتیک جدی را به بار آورد (هرچند دیر یا زود گونه‌ای سلسله مراتب در میان این محاکم باید رشد یابد)^{۱۰۱}. هر دیوان بین‌المللی محیط زیست باید از کثرویهای نظام گات / سازمان تجارت جهانی که، بویژه در گذشته و تا اندازه‌ای تا به امروز نیز وجود داشته، و به نادرستی به عنوان رژیم خاصی جدای از دیگر قواعد حقوق بین‌المللی (از جمله حقوق بین‌المللی محیط زیست) شمرده می‌شد، درس بگیرد.^{۱۰۲}

اگر نه همان‌گونه که یکی از نویسندگان می‌گوید، «تشکیل يك [دیوان جهانی محیط زیست] «سبز» برای متعادل کردن دادگاههای «غیرسبز» موجود دشواری را دو چندان می‌کند، و آن را حل نمی‌کند».^{۱۰۳}

روشی که با آن می‌توان از این نواقص و کاستی‌ها پرهیز کرد، با بررسی ویژگیهای يك دیوان بین‌المللی محیط زیست روشن می‌شود.

۵- ویژگیهای دیوان تازه جهانی محیط زیست: بایدها و نبایدها

با فرض نیاز به تشکیل يك دیوان تازه جهانی محیط زیست و وجود يك اراده سیاسی، این دیوان از نظر

○ با توجه به اینکه موفقیت حقوق بین‌الملل محیط زیست و دیوان بین‌المللی محیط زیست به پذیرش قوای مقننه و دادگاه‌های ملی بستگی دارد، دیوان بین‌المللی محیط زیست مشروعیت بیشتری به بار می‌آورد؛ البته چنانچه اعضای آن در کشور خود شناخته شده و مورد احترام باشند، برای نمونه پیش از این در کشور خود قاضی یا نماینده مجلس بوده باشند. تخصص ویژه در حقوق بین‌الملل محیط زیست شاید اهمیت کمتری داشته باشد. ترکیبی از کارشناسان حقوق بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوقدانان برجسته ملی می‌تواند دلخواه باشد.

سازمان جهانی محیط زیست نوین قرار دهند (شبهه نظارتی که رکن رسیدگی به اختلافات سازمان تجارت جهانی بر هیأتها و رکن تجدید نظر (یا استیناف) دارد). افزون بر این، يك دیوان جهانی محیط زیست، به عنوان بخشی از يك سازمان جهانی محیط زیست گسترده‌تر، می‌تواند موتوری قضایی طراحی کند که برای هماهنگی و توسعه بیشتر موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی که زیر چتر سازمان جهانی محیط زیست قرار دارند، مورد نیاز است و از این رو سازمان جهانی محیط زیست را به عنوان يك رژیم بین‌المللی با قوای مقننه، مجره و قضایی تکمیل می‌کند که برای جامعه‌ای با منابع مشترک انجام وظیفه می‌کند.^{۱۰۴}

در همان حال، باید مراقب تفسیر حقوق بین‌المللی محیط زیست نیز بود، یا مجموعه‌ای از قواعد که يك سازمان بین‌المللی محیط زیست نوین، به عنوان يك رژیم به اصطلاح «مستقل و خودمختار»، و

می‌گیرد).

دیوان بین‌المللی محیط زیست نیز می‌تواند به عنوان گامی جداگانه در چارچوب آیین اجرایی گسترده‌تر عمل کند (که این آیین ممکن است بر مبنای یک قرارداد خاص اعمال شود) یا به عنوان یک راهکار نهایی در مورد آیین‌های اجرایی مبتنی بر دیپلماسی براساس یک پیمان خاصی که اختلاف را حل نکرده است، انجام وظیفه کند.^{۱۱۰} این امر نوعی قدرت ایجاد هماهنگی بین موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی گوناگون ایجاد می‌کند.

افزون بر دعاوی ترافیعی براساس کنوانسیون‌های خاص دیوان بین‌المللی محیط زیست، نیز می‌تواند این اختیار را داشته باشد که به درخواست دیگر نهادها یا محاکم بین‌المللی، دولت‌ها یا حتی عوامل غیردولتی از جمله سازمان‌های غیردولتی یا محاکم ملی نظرات

○ نقض حقوق بین‌الملل محیط زیست

بیشتر ممکن است به محیط زیست جهانی به طور کلی خسارت وارد سازد به جای اینکه به دولت خاصی آسیب برساند. از این رو، تأسیس یک کمیسیون مستقل یا دادستانی سودمند خواهد بود. این کمیسیون یا دادستانی، برای نمونه، می‌تواند با سازمان تجارت جهانی یا برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) در تماس باشد. این نهاد قادر خواهد بود تا دعاوی را بر ضد یک دولت خاص یا شماری از دولت‌ها طرح کند. این نهاد همچنین از آثار جانبی سیاسی و خصومت ذاتی مربوط به طرح دعاوی دولت بر ضد دولت، بویژه برای دولت‌های ضعیف‌تر، جلوگیری می‌کند.

ساختاری چگونه باید باشد و طرز عملکرد آن چگونه خواهد بود؟^{۱۰۴} یکی از مزایای تأسیس این دیوان (به جای اصلاح یک نهاد موجود) این است که می‌تواند از آغاز، مطلوب و سازگار یافته باشد.^{۱۰۵} در این رابطه به جاست که موارد زیر را بررسی کنیم:

۵-۱. صلاحیت موضوعی

صلاحیت موضوعی دیوان باید با توجه به دعاوی خاصی برپایه کنوانسیون‌های مشخصی تعیین شود (برای نمونه شیوه‌ای که هیات‌های سازمان تجارت جهانی می‌توانند تنها به دعاوی مطروح براساس پیمان سازمان تجارت جهانی رسیدگی کنند). این صلاحیت نباید مبتنی بر معیارهای کلی همچون «تمام اختلافات ناشی از حقوق بین‌المللی محیط زیست» یا «اختلافات راجع به حمایت از محیط زیست». تعیین اینکه یک اختلاف زیست محیطی چیست بسیار دشوار است^{۱۰۶} و طرفین در زمینه ویژگی موضوع اختلاف خود هم‌رأی نیستند.^{۱۰۷} تحدید صلاحیت دیوان بین‌المللی محیط زیست بدین گونه نیز خطر تعارضات مربوط به صلاحیت بین محاکم اختصاصی همچون دیوان بین‌المللی محیط زیست از یک سو و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا و سازمان تجارت جهانی از طرف دیگر را کاهش می‌دهد^{۱۰۸} (اگرچه این امر مانع از این نمی‌شود که جنبه‌های گوناگون اختلاف واحد و مشابهی در دادگاه‌های متفاوتی مطرح شوند که این امر خود دادگاه‌ها را وادار می‌سازد تا با همدیگر همکاری کنند).^{۱۰۹}

فهرست احصایی دعاوی مبتنی بر پیمانها که می‌توان آنها را در دیوان بین‌المللی محیط زیست مطرح کرد، می‌تواند در کنوانسیون تازه‌ای، که سازمان جهانی محیط زیست را تأسیس می‌کند، متمرکز شود. این سازمان هم به نوبه خود اصول کلی خاص حقوق بین‌المللی محیط زیست را مقرر می‌دارد و همچنین شماری از موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی مانند کنوانسیون‌های موجود را پوشش می‌دهد (روشی که پیمان موسس سازمان تجارت جهانی مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌های تجارتي را در بخشهای گوناگون دربر

مشورتی (یا حتی تصمیمات اولیه^{۱۱۱}) صادر کند.

۵-۲. ترکیب و ساختار

در ساختار این دیوان تخصص و استقلال باید قطعی و حیاتی باشد. توزیع جغرافیایی می‌تواند مشروعیت دیوان بین‌المللی محیط زیست را بهبود بخشد.

با توجه به این که موفقیت حقوق بین‌المللی محیط زیست و دیوان بین‌المللی محیط زیست به پذیرش قوای مقننه و دادگاه‌های ملی بستگی دارد، دیوان بین‌المللی محیط زیست مشروعیت بیشتری به بار می‌آورد؛ البته در صورتی که اعضای آن در کشور خود شناخته شده و مورد احترام باشند، برای نمونه پیش از این در کشور خود قاضی یا نماینده مجلس بوده باشند. تخصص ویژه در حقوق بین‌المللی محیط زیست شاید اهمیت کمتری داشته باشد. ترکیبی از متخصصین حقوق بین‌المللی و یا حقوق بین‌المللی محیط زیست و حقوقدانان برجسته ملی می‌تواند امری دلخواه و ایده‌آل باشد.

انتصاب تنها متخصصین حقوق بین‌المللی محیط زیست این خطر جدی را دربردارد که از راه این جامعه حمایت از محیط زیست را ایجاد خواهد کرد.^{۱۱۲} بیاد

○ برای اینکه حقوق بین‌الملل محیط زیست کارآمد و موثر باشد، باید بخش بزرگی از حقوق با تصمیمات اکثریت وضع و کنترل شود؛ و گرنه، به اصطلاح «فاجعه مشترکات» بروز می‌کند. از این رو شاید بخردانه باشد که به دیوان بین‌المللی محیط زیست اختیاراتی در زمینه بازنگری قضایی در تصمیمات ویژه‌ای که سازمان جهانی محیط زیست یا نهادهای برنامه محیط زیست ملل متحد می‌گیرند، داده شود.

داشته باشید که بیشتر اعضای رکن استیناف سازمان تجارت جهانی متخصصان تجارت بین‌المللی نیستند (بیشتر آنها متخصصان در حقوق بین‌المللی و اعضای پیشین پارلمان، دیپلماتها یا قضات ملی پیشین هستند). به نظر می‌رسد، پیشینه عام و متفاوت آنها در گشایش روزافزون درهای سازمان تجارت جهانی به سمت امور غیر تجاری عامل مهمی بوده است.

۳-۵. چه اشخاصی می‌توانند در این دیوان طرح دعوا کنند؟

دولتهای طرف کنوانسیونهایی که از سوی دیوان بین‌المللی محیط زیست اجرا می‌شوند، باید بتوانند در این دیوان طرح دعوا کنند. با فرض اینکه «نفع جمعی» یا حتی «مشترکات جهانی» در خطر باشد براساس بسیاری از قواعد حقوق بین‌المللی محیط زیست، تمام دولتهای عضو، گذشته از ضرر فردی، می‌توانند طرح دعوا کنند.^{۱۱۳} دعوای با شاکیان زیاد ممکن است طرح شوند و باید آیین رسیدگی و راهکارهای دیوان فراهم شوند.

نقض حقوق بین‌المللی محیط زیست اغلب ممکن است به محیط زیست جهانی به طور کلی خسارت وارد سازد به جای اینکه به دولت خاصی آسیب برساند. از این رو، تأسیس يك کمیسیون مستقل یا دادستانی سودمند خواهد بود. این کمیسیون یا دادستانی، برای نمونه، می‌تواند با سازمان تجارت جهانی یا برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) در تماس باشد. این نهاد قادر خواهد بود تا دعوایی را بر ضد يك دولت خاص یا شماری از دولتها طرح کند. این نهاد همچنین از آثار جانبی سیاسی و خصومت ذاتی مربوط به طرح دعوای دولت بر ضد دولت، بویژه برای دولتهای ضعیف‌تر، خودداری می‌کند و براساس پروتکل موثرتر، برای نمونه، اختیارات خاصی را به دبیرخانه خود می‌دهد تا کمیته اجرایی را پویا کند.

عوامل غیردولتی، افراد، شرکتها یا سازمانهای غیردولتی، خواهند توانست تا دعوای خود را به دیوان عرضه دارند. این امر شاید کارآیی حقوق بین‌المللی محیط زیست را افزایش دهد، اما در همان حال،

جلوی مراجعه طرفهای خصوصی به مراجع بین‌المللی را بگیرد.

اگر به يك مقام برای پیگرد مستقل این اختیار داده شود تا آیینی را ارایه کند، يك صافی سیاسی اضافه می‌شود که، برای نمونه، اجازه می‌دهد که بیشتر دولتهای عضو بتوانند جلوگیری کنند از اینکه کمیسیون یا دادستان دعوایی را آغاز کند.^{۱۱۶} برای جلوگیری از این که طرفهای غیردولتی دعوی واهی و بی‌اساس طرح کنند، يك کمیسیون بررسی و ارزیابی (Screeng) می‌توان برپا کرد تا تمام دعوای پیش از ارجاع به دیوان بین‌المللی محیط زیست، بررسی شوند (همسان با بررسی‌هایی که در گذشته از سوی کمیسیون اروپایی حقوق بشر یا شعبه دادگاه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری انجام می‌شد).

۴-۵. از چه اشخاصی می‌توان در این دیوان دادخواهی کرد؟

دولتهای طرف کنوانسیونهای حقوق بین‌المللی محیط زیست خواننده‌های اصلی شاکیان خواهند بود. با فرض وارد شدن خسارات زیست محیطی، دعوایی که بر ضد چند خواننده باشد، ممکن است مطرح شود.^{۱۱۷} در اینجا می‌توان نقشی را برای کمیسیون مستقل دادستان در نظر گرفت به این صورت که بتواند تحقیقات ابتدایی را در زمینه ورود خسارات زیست محیطی انجام دهد تا بتواند متهمین احتمالی را پیدا کند.

همان‌گونه که شماری از نویسندگان مطرح کردند، برای اینکه حقوق بین‌المللی محیط زیست کارآمد و موثر باشد، باید بخش بزرگی از حقوق با تصمیمات اکثریت وضع و کنترل شود.^{۱۱۸} در غیر این صورت، به اصطلاح «فاجعه مشترکات» بروز می‌کند. از این رو شاید بخردانه باشد تا به دیوان بین‌المللی محیط زیست اختیاراتی در زمینه تجدیدنظر قضایی برای تصمیمات ویژه‌ای که از سوی سازمان جهانی محیط زیست یا نهادهای برنامه محیط زیست ملل متحد گرفته می‌شوند، اعطا شود. آن گروه از دولتهای عضو که در اقلیت هستند، می‌توانند برای نمونه، مشروعیت رفتار خاصی از سازمان جهانی محیط زیست را به چالش

اجرای حقوق بین‌المللی محیط زیست را از کنترل دولتها بیرون می‌آورد و زمینه را برای دعاوی حساس سیاسی یا واهی و بی‌اساس بر ضد اراده حکومت (متبوع) شاکی فراهم آورد (باید فرض کنیم که دولت نماینده سود جمعی شهروندان خود است). اعطای چنین منشأ دعوایی به عوامل غیردولتی نیازمند بررسی و تأمل دقیق و جدی است و باید مشخص شود که این امر با چه شرایطی خواهد بود.^{۱۱۹} این که اجازه بدهیم تمام عوامل دارای نفع از جمله عوامل غیر دولتی، نظرات خود را در مورد يك اختلاف خاص، برای نمونه به صورت مشاور ابراز کنند، يك مسأله است. مسأله دیگر این است که به آنها حق عملی ابتکار يك آیین را بدهیم (به همین شیوه مشارکت دادن تمام عوامل دارای نفع در شکل‌گیری قواعد حقوق بین‌المللی محیط زیست يك مسأله است و اعطای رأی عملی و عینی در پذیرش قواعد تازه مسأله‌ای دیگر است). مشارکت دادن تمام عوامل دارای نفع در شکل‌گیری حقوق بین‌المللی محیط زیست و تصمیمات دیوان بین‌المللی محیط زیست شرط لازم برای تضمین مشورعیت «شکلی» و «گسترده» حقوق بین‌المللی محیط زیست است.^{۱۲۰} با وجود این، اعطای حق رأی مستقیم به عوامل غیردولتی در پذیرش حقوق بین‌المللی محیط زیست یا يك منشأ مستقل دعوا در دیوان بین‌المللی محیط زیست ممکن است از مشروعیت مهم «دموکراتیک» یا «هنجارگرایی» حقوق بین‌المللی محیط زیست بکاهد.

شروط احتمالی که پیش از طرح دعوا در يك مرجع بین‌المللی از سوی عوامل غیردولتی ضروری است عبارتند از: توسل به راهکارهای داخلی، شرط خسارت فردی یا (برای سازمانهای غیردولتی) حداقل اعضا یا دیگر دلایل مبنی بر اینکه نماینده بخش کافی جامعه هستند.

ملزم ساختن دولتهای طرف قرارداد به «اثربخشی مستقیم» به قواعد خاصی از حقوق بین‌المللی محیط زیست به گونه‌ای که عوامل غیردولتی بتوانند نزد مراجع داخلی به این قواعد استناد کنند می‌تواند

فرد خصوصی ذینفع) اقدام می‌کند یا رضایت عامل خصوصی را برای پایان دادن به اختلافات از راه داوری بین‌المللی لازم دارد. اگر این روش به کار گرفته شود، قواعد اختیاری راجع به اختلافات زیست محیطی که چندی پیش دیوان دایمی داوری پذیرفته مناسب به نظر می‌رسند.^{۱۲۲} با این همه، صلاحیت دیوان بین‌المللی محیط زیست نیز می‌تواند به زمینه گسترده‌ای تعیین شود (مانند صلاحیت دیوان دایمی داوری) تا بتواند دعاوی بر ضد عوامل غیردولتی را به شرط رضایت خاص آنها دربرگیرد. با وجود این، تا آن اندازه که حقوق بین‌المللی محیط زیست در حقوق داخلی وارد می‌شود، افراد (از جمله شرکتها) را می‌توان نزد دادگاههای داخلی مورد پیگرد قرار داد.

۵.۵. قانون حاکم

هرچند صلاحیت دیوان بین‌المللی محیط زیست در چارچوب آن گروه از دعاوی است که براساس کنوانسیونهای خاص حقوق بین‌المللی محیط زیست مطرح می‌شوند، ولی این بدین معنا نیست که دیوان بین‌المللی محیط زیست باید تنها حقوق بین‌المللی محیط زیست را مورد توجه قرار دهد، یعنی خود را به «چهار گوشه» حقوق بین‌المللی محیط زیست محدود کند. قواعد حقوق بین‌المللی عام، همچنین قواعدی که بازتاب نیات تمام طرفهای کنوانسیون حقوق بین‌المللی محیط زیست است، نقش قطعی و اساسی در تفسیر کنوانسیون حقوق بین‌المللی محیط زیست دارند.^{۱۲۳}

افزون بر قواعد تفسیر پیمانها و محدودیتهای ناشی از آن (مانند اینکه نتوانیم معنای صریح معاهده را نادیده بگیریم)، قواعدی جدا از حقوق بین‌المللی محیط زیست را نیز تا هنگامی که برای طرفهای اختلاف الزام آور هستند، باید به عنوان بخشی از حقوق حاکم مورد استناد قرار داد. حتی اگر این قواعد نتوانند مبنای دعوایی را نزد دیوان بین‌المللی محیط زیست تشکیل دهند، باید در شرایط ویژه‌ای (بسته به اینکه چه قاعده‌ای بر قواعد متعارض حقوق بین‌المللی مانند قاعده لاحق و قاعده خاص، حاکم باشد) بتوانند دفاع معتبری را بر ضد دعاوی مربوط به نقش حقوق

○ قواعد دادرسی در دیوان بین‌المللی محیط زیست باید سریع و انعطاف پذیر باشد تا حل و فصل سریع اختلافات را ممکن سازد و این امکان برای دیوان فراهم شود تا بی‌رضایت طرفین، آیین‌های رسیدگی ویژه‌ای را که با دعوای خاصی سازگار است، بپذیرد.

نخستین هدف دیوان بین‌المللی محیط زیست باید این باشد که راهی برای حل اختلافات پیدا کند که رضایت هر دو طرف را به دست آورد. از درگیریهای لفظی بی‌مورد باید پرهیز شود. از این رو، باید اختیارات میانجیگری نیز به این دیوان جهانی داده شود.

کشانند. این امر تنها می‌تواند مشروعیت آن نهادها را افزایش دهد^{۱۱۶} و امکان مناسبتر (یعنی مبنای اکثریت) تشکیل حقوق بین‌المللی محیط زیست را تقویت کند. در مفهومی وسیعتر، می‌توان به دیوان بین‌المللی محیط زیست این صلاحیت را داد تا نظارت و بررسی کند که آیا اقدامات سازمانهای بین‌المللی غیر زیست محیطی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول هماهنگ با حقوق بین‌المللی محیط زیست هست یا نه.^{۱۲۰}

اگر پاره‌ای از موارد نقض حقوق بین‌المللی محیط زیست «جرایم بین‌المللی» شمرده شوند، دیوان بین‌المللی محیط زیست می‌تواند به شکایات بر ضد اشخاص، برای نمونه به درخواست دادستان، عوامل دولتی یا حتی عوامل غیردولتی، رسیدگی کند.

مسئول دانستن افراد یا شرکتهای برای نقض غیرکیفری حقوق بین‌المللی محیط زیست در نزد دادگاههای بین‌المللی امری دشوار است.^{۱۲۱} يك فرد یا از مسیر دولت (با اعلان شکایت بر ضد دولت متبوع

از قضات در مورد هر دعوا تصمیم‌گیری می‌کنند و همچنین گزینش کارشناسان (از جمله شرطی که دست‌کم یک قاضی و یا یک کارشناس از یک کشور در حال توسعه باشد) پیش‌بینی شود.

۵-۸. کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب^{۱۲۵}

با توجه به پیچیدگی واقعی و عینی بسیاری از اختلافات زیست‌محیطی و ماهیت متغیر علم، ضروری و اساسی است که دیوان بین‌المللی محیط زیست دارای یک ابزار علمی مستقل، با کارآیی بالا، پیشرفته و مدرن باشد. این دیوان می‌تواند گروهی از کارشناسان را برای هر دعوی خاص تعیین کند یا از یاری یک رکن دائمی علمی که در قلمرو یک سازمان جهانی محیط زیست تازه یا یک برنامه اصلاحی محیط زیست ملل متحد، انجام وظیفه می‌کند، بهره‌مند شود. از آنجا که مبنای تصمیمات دیوان بین‌المللی محیط زیست نظرات کارشناسی موثق است، این خود عامل دیگری برای مشروعیت بخشی است. تخصص خود منبع شناخته شده مشروعیت است. با اینهمه، پر واضح است که «تصمیم‌گیری کارشناسان به شدت برخلاف مشارکت عمومی است. این موضوع که هر دو، منبع مشروعیت هستند، نشانگر این واقعیت است که افراد می‌خواهند نهادهای دولتی در حل دشواریها، هم مؤثر و کارآمد و هم تابع نظارت عمومی باشند». هدف دیوان بین‌المللی محیط زیست باید ایجاد توازن ظریف بین این دو خواسته باشد.

کارشناسان علمی باید پس از مشورت با دو طرف تعیین شوند، شرکت دو طرف در فرآیند این گزینش، جایی برای ایراد به بی‌طرفی آنها باقی نمی‌گذارد. دیگر سازمانهای بین‌المللی (بویژه برنامه محیط زیست ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی) می‌توانند در پیشنهاد افراد احتمالی نقش داشته باشند.^{۱۲۶}

باید در زمینه تحقیق، اختیارات گسترده‌ای به دیوان بین‌المللی محیط زیست داده شود تا، برای نمونه، بتواند دو طرف را وادار سازد که مدارک لازم را به دست دهند و بتواند از افراد یا ارکانی که مناسب تشخیص می‌دهد، مشاوره یا نظر بخواهد (ماده ۱۳ DSU در مورد هیأت‌های سازمان تجارت جهانی

بین‌المللی محیط زیست فراهم آورند. تفسیر حقوق بین‌المللی محیط زیست جد از دیگر قواعد حقوق بین‌المللی به نادرستی حقوق بین‌المللی محیط زیست را همچون گونه‌ای «رژیم مستقل و خودمختار» تفسیر می‌کند و از مشروعیت آن می‌کاهد و افزون بر این، وحدت و یگانگی حقوق بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. این دیدگاه کلی و همگانی در مورد حقوق بین‌المللی برای موفقیّت دادگاه‌های تخصصی بین‌المللی - چه دیوان جهانی محیط زیست، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا باشد یا هیأت‌های سازمان تجارت جهانی - اساسی و ضروری است.^{۱۲۴}

۵-۶. اقدامات تامینی

اگر جبران‌ناپذیری خسارات زیست‌محیطی را بپذیریم، در این صورت دیوان بین‌المللی محیط زیست باید اختیارات گسترده‌ای را داشته باشد تا بتواند حکم به اقدامات تامینی بدهد. الگوهای این گونه اقدامات را می‌توان در کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهای (ماده ۲۹۰) و قواعد اختیاری دیوان داور (ماده ۲۶) برای اختلافات زیست‌محیطی پیدا کرد.

۵-۷. آیین دادرسی

قواعد دادرسی در دیوان بین‌المللی محیط زیست باید سریع و انعطاف‌پذیر باشند تا حل و فصل سریع اختلافات را ممکن سازد و این امکان برای دیوان فراهم شود تا بدون رضایت طرفین، آیین‌های رسیدگی ویژه‌ای را که با دعوی خاصی سازگار است، بپذیرد.

نخستین هدف دیوان بین‌المللی محیط زیست باید این باشد تا راهی را برای حل اختلافات پیدا کند که رضایت هر دو طرف را به دست آورد. از درگیریهایی لفظی بی‌مورد باید پرهیز شود. از این رو، باید اختیارات میانجیگری نیز به این دیوان جهانی داده شود. هرچند، راه‌حلهای دوجانبه باید با حقوق بین‌المللی محیط زیست سازگار باشند و به حقوق دولتهای دیگر خدشه‌ای وارد نکند.

راهکار ترجیحی معینی باید برای کشورهای در حال توسعه، از جمله در مورد مهلت ارسال لوایح مقدماتی، گزینش قضات در موردی که شمار ناچیزی

اجراشدنی است).

۹-۵. مشارکت

تمام دولتهای طرف کنوانسیون مورد بحث در رابطه با حقوق بین‌المللی محیط زیست و همچنین دیگر دولتهایی که در دعوا سودی دارند، باید بتوانند تا به عنوان طرف سوم اقدام کنند. بیشتر اختلافات زیست محیطی دارای ماهیت دوجانبه هستند. حل این اختلافات تنها با در نظر گرفتن منافع دو طرف دعوا، یعنی خواهان و خوانده، کافی نیست. رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی محیط زیست باید بسیار شفاف و علنی باشند. حتی اگر نهادهای غیردولتی مجاز باشند که طرح دعوا کنند، باید به آنها اجازه داد تا نظرات خود را ابراز کنند و مسایل موضوعی دعوی را که به درستی نزد دیوان طرح شده، برای نمونه به صورت مشاور، بیافزاید (و این امر حتی در صورتی که دیوان به روشنی درخواست نکرده باشد، امکان‌پذیر است).^{۱۲۷} شفافیت و دسترسی و بررسی علنی عوامل مشروعیت بخش مهمی برای دیوان بین‌المللی محیط زیست به شمار می‌روند. (عواملی که امروزه برای نمونه در سازمان تجارت جهانی جای آنها خالی است).

۱۰-۵. پیوند دیوان با دیگر محاکم و سازمانهای

بین‌المللی

برسره‌م، دیوان بین‌المللی محیط زیست باید به تعامل قضایی (یا تأمین دلیل از راه دوجانبه) و گفتگوی میان سازمانها مبادرت ورزد. دیوان می‌تواند این کار را با توجه به آرای دیگر دادگاههای بین‌المللی (بویژه دیوان بین‌المللی دادگستری) و با درخواست نظر از دیگر سازمانهای بین‌المللی در مورد مسایل موضوعی انجام دهد.^{۱۲۸}

به زبان رسمی‌تر، دیوان بین‌المللی محیط زیست باید بتواند تا مسائلی مربوط به حقوق بین‌الملل عام را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد. این امر یگانگی حقوق بین‌المللی را با دیوان بین‌المللی دادگستری در فرایند کار تضمین می‌کند. دادن این اختیار به دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نیازمند بازنگری در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است، مگر اینکه دیوان بین‌المللی محیط زیست

به‌عنوان یکی از نهادهای ملل متحد به‌شمار آید که بتواند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی کند.

همچنین به دیوان بین‌المللی محیط زیست می‌توان این اختیار را داد تا بتواند از دیگر دادگاههای تخصصی مانند رکن استیناف سازمان تجارت جهانی یا دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای درخواست نظر مشورتی کند. دیوان بین‌المللی محیط زیست نیز در جای خود می‌تواند این اختیار را داشته باشد که به درخواست دیگر نهادهای بین‌المللی، دولتها یا حتی عوامل غیردولتی نظر مشورتی صادر کند.

در صورتی که حقوق بین‌المللی محیط زیست به اندازه کافی از «اثر بخشی مستقیم» در حقوق داخلی برخوردار باشد، مجاز دانستن دادگاههای داخلی برای درخواست تصمیمات اولیه از دیوان بین‌المللی محیط زیست در مورد موضوعات حقوق بین‌المللی محیط زیست سودمند خواهد بود. این امر یگانگی و یک‌شکل بودن حقوق بین‌الملل محیط زیست را تضمین و پل مهمی را بین دیوان بین‌المللی محیط زیست و دادگاههای داخلی برقرار می‌کند.

پیوند ماهوی بین حقوق بین‌المللی محیط زیست و دیگر قواعد حقوق بین‌المللی پیش از این در بحث «قانون حاکم» بررسی شد.

۱۱-۵. اثر الزام‌آور آرای دیوان

شکی نیست که تصمیمات دیوان بین‌المللی محیط زیست از نظر حقوقی برای طرفهای اختلاف الزام‌آورند. (در مورد تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا نیز وضع به همین صورت است). این اثر الزام‌آور را نیز می‌توان تنها پس از پذیرش تصمیمات دیوان بین‌المللی محیط زیست از سوی یک رکن سیاسی سازمان جدید جهانی محیط زیست معتبر دانست (مانند این شیوه که گزارشهای حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی باید از سوی رکن حل و فصل اختلافات این سازمان مورد پذیرش قرار گیرند). چنین پذیرشی می‌تواند خود به خود (مانند سازمان تجارت جهانی) یا با رأی اکثریت (مانند پیمان منشور انرژی^{۱۲۹}) صورت

○ بی گمان تأسیس يك ركن قضایی کارآمد و مسئول برای اعمال و ارزیابی اجرای حقوق بین الملل محیط زیست، نقش نظام نظارت بین المللی بر محیط زیست را بهبود خواهد بخشید. اجرا نشدن و همچنین ناکارآمدی (در رابطه با بهبود واقعی محیط زیست) از بارزترین انتقاداتها به نظام کنونی است. البته هر دو نگرانی را می توان با يك ركن قضایی، خواه بخشی از يك رژیم اجرایی مبتنی بر يك پیمان باشد یا يك دادگاه یا دیوان توسعه یافته برای اجرای حقوق بین الملل محیط زیست، از میان برد.

محیط زیست نباید پایان مسأله باشد (که در مورد بیشتر احکام در دیوان بین المللی دادگستری نیز وجود دارد). هر گونه واکنش به سرپیچی از اجرا باید از چند جهت گزارش شود، نه اینکه بر مبنای یکجانبه از سوی طرف برنده تحمیل شود. در این فرایند گزارشگری، دیوان بین المللی محیط زیست باید به اجرای نقش مهم خود، برای نمونه در ارزیابی اقدامات متقابل مناسب، ادامه دهد.

رهنمودها را می توان در سازو کار اجرایی سازمان تجارت جهانی پیدا کرد. اقدامات متقابل، بویژه اقدامات جمعی (مانند تعلیق حق رای یا حق طرح دعوا در دیوان بین المللی محیط زیست به عنوان خواهان)، باید در مورد سرپیچی از اجرای تصمیمات دیوان بین المللی محیط زیست امکان پذیر باشد، حتی بکارگیری تحریمهای تجاری را می توان در نظر گرفت.^{۱۳۰}

۱۴۵. مسایل مالی و بودجه ای

برای بهبود بخشیدن به کار دیوان جهانی محیط زیست، و همچنین سرعت بخشیدن به عملکرد آن و

گیرد. پذیرش تصمیمات از سوی رکنی که تمام اعضای سازمان جهانی محیط زیست در آن نماینده دارند، می تواند مشروعیت تصمیمات دیوان بین المللی محیط زیست را در برابر دولتهای عضو افزایش دهد. البته این امر نیز ممکن است که استقلال قضایی دیوان بین المللی محیط زیست را به خطر اندازد. در هر صورت، برای تأسیس يك دیوان بین المللی محیط زیست مؤثر و کارآمد نباید این امکان را به دولتها داد که يك به يك یا حتی گروه کوچکی از آنها بتوانند پذیرش تصمیمات این دیوان را بلوکه یا تو کنند (مانند آنچه که براساس موافقت نامه ۱۹۴۷ گات صورت می گیرد).

۱۲۵. جبران خسارت

جبران خسارت باید شامل جلوگیری از عمل غیرقانونی و همچنین پرداخت غرامت برای خسارت وارده شود. تعهد به عدم تکرار نیز می تواند سودمند باشد. اگر مفهوم «جرائم زیست محیطی» پذیرفته شود، حبس و جریمه نقدی باید مورد توجه قرار گیرد.

تقویم خسارات ممکن است دشوار باشد. نظر کارشناسان علمی یا غیر آن می تواند سرنوشت ساز و قطعی باشد. حکم به جبران خسارت می تواند دلیل مهمی برای دولتها باشد که صلاحیت اجباری دیوان را بپذیرند. با توجه به این واقعیت که هدف نخستین باید اجرای تصمیمات باشد، شاید بخواهیم زمینه را برای پرداخت غرامت از جمله با تحمیل محدودیتهای موقتی شدید و يك معیار سببی محدود کوچکتر کنیم. افزون بر این، امکانات تشویقی را می توان پیش بینی کرد که به اجرای حقوق بین المللی محیط زیست کمک کند. برای نمونه، با خسارات یا مجازاتهای نقدی ارزیابی شده، می توان مؤسسه ای مالی برپا کرد تا فرایند اجرا را بویژه از سوی کشورهای در حال توسعه آسان کند.

۱۳۵. سرپیچی از اجرای آرای دیوان

اجرای آرای دیوان بین المللی محیط زیست باید توسط يك رکن سیاسی سازمان جهانی محیط زیست ارزیابی شوند. تصمیم گیری از سوی دیوان بین المللی

سودمند باشد، بویژه اگر در چارچوب يك سازمان تازه جهانی محیط زیست یا ساختار دیگری باشد که انبوه موافقت نامه‌های چند جانبه زیست محیطی را گردهم می‌آورد. این دیوان می‌تواند ورود حاکمیت قانون به حقوق بین‌المللی محیط زیست شمرده شود، حتی اگر به عنوان يك راه حل جانبی و فرعی فرض شود. افزون بر این، در چارچوب سازمان جهانی محیط زیست، این دیوان می‌تواند در گسترش و ارتقای حقوق بین‌المللی محیط زیست، از جمله همکاری بین عناصر تشکیل دهنده آن و پیوند آن با دیگر قواعد حقوق بین‌المللی نقش مهمی داشته باشد.

شفافیت و مشارکت تمام طرفهای دارای نفع از جمله نهادهای خصوصی، همکاری تنگاتنگ با جامعه علمی و دیگر سازمانها و دادگاههای بین‌المللی (از جمله دادگاههای داخلی) و حساسیت در مورد ضرورتها و احتمالات زیست محیطی ملی و منطقه‌ای، برای مشروعیت بخشی و موفقیتهای بیشتر این دیوان می‌تواند مؤثر و حیاتی باشد.

دیوان جهانی محیط زیست، در صورت تأسیس، باید هدفش جهانی باشد: هم از نظر اشخاص (دولتی و غیردولتی) و هم از نظر موضوعاتی که در صلاحیت آن قرار می‌گیرد.

دیوان بین‌المللی محیط زیست، باید پلی اساسی بین تصمیم گیرندگان و جامعه علمی برقرار کند. هرچند علم در تنظیم قواعد محیط زیست اهمیت والایی دارد، ولی این نکته را نیز نباید فراموش کرد که در پایان کار تصمیم گیرها و مسئولیتها بر عهده سیاستمداران است. دیوان بویژه هنگامی که به درستی از کارشناسان علمی درخواست نظر مشورتی می‌کند، می‌تواند در کنار مطالعه برنامه‌ها و رویه‌های داخلی در رابطه با محیط زیست، تصمیمات گرفته شده در پهنه بین‌المللی را نیز بررسی کند.

از نظر مالی و بودجه، دیوان باید برای استقلال و مشروعیت خود بتواند بودجه کافی داشته باشد. کارآیی و مشروعیت این دیوان زمانی افزایش می‌یابد که بتواند درهای خود را به روی عوامل غیردولتی و جامعه مدنی در کل بگشاید.

تضمین کارآیی زیاد تصمیمات، باید برای دیوان بین‌المللی محیط زیست سرمایه‌گذاری کافی صورت گیرد. تنها در این صورت، می‌توان به دستیابی به آثار دلخواه امیدوار بود. بودجه خوب و مناسب می‌تواند بهترین قضات، بهترین کادر پژوهشی، کتابخانه و مقر مناسبی را جذب کند و به گونه‌ای قطعی آموزش گسترده، بهبود کار و فعالیت‌های عمومی (از جمله توزیع سریع تصمیمات و لوایح، همایشها، پذیرایی و بازدید از کشورهای گوناگون عضو) را ممکن می‌سازد.

در بودجه دیوان بین‌المللی محیط زیست باید همچنین کمکهای فنی را برای کشورهای در حال توسعه، بویژه سرمایه‌گذاری برای مشاوره حقوقی مطلوب در نظر گرفت. این امر مشارکت کشورهای دارا و ندار را در دیوان بین‌المللی محیط زیست سبب می‌شود.^{۱۳۱}

سرمایه‌گذاری می‌تواند از بودجه منظم سازمان ملل یا يك سازمان جدید جهانی محیط زیست تامین شود. همچنین بخشی از بودجه این دیوان را طرفهای دعوا، بویژه خواندگانی که دعوای بازند، بر مبنای «اصل جبران خسارت از سوی آلوده‌کننده» تامین می‌کنند.

۶- چکیده سخن و پیشنهادها:

بی‌گمان تأسیس يك رکن قضایی کارآمد و مسئول برای اعمال و ارزیابی اجرای حقوق بین‌المللی محیط زیست، نقش نظام نظارت بین‌المللی بر محیط زیست را بهبود خواهد بخشید. عدم اجرا و همچنین ناکارآمدی^{۱۳۲} (در رابطه با بهبود واقعی محیط زیست) از بارزترین انتقادات وارده بر نظام کنونی است، البته هر دو نگرانی را می‌توان با يك رکن قضایی، خواه بخشی از يك رژیم اجرایی مبتنی بر يك پیمان باشد یا يك دادگاه با دیوان توسعه یافته برای اجرای حقوق بین‌المللی محیط زیست، برطرف کرد. البته نقش دادگاههای داخلی را نباید نادیده گرفت. مانع مهم در این جا اراده سیاسی است.

در این زمینه دیوان بین‌المللی محیط زیست برای رسیدگی قضایی به اختلافات خاصی براساس موافقت‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی می‌تواند

Sir Robert Jennings, *Need for an Environmental Court?*, 20 *Environmental Policy and Law* 1992, 312.

۹۳. بنگرید به پانوشت شماره ۱۱۹.

۹۴. با وجود این، در پیشگفتار قواعد زیست محیطی دیوان دایمی داوری (که در پانوشت شماره ۶۵ آمده) به روشنی چنین آمده است: «این قواعد را می‌توان در رابطه با اختلافات بین دو یا چند دولت طرف یک موافقت‌نامه چند جانبه مربوط به دسترسی به منابع طبیعی و انتفاع از آنها راجع به تفسیر یا اجرای آن موافقت‌نامه بکار برد». در این زمینه بنگرید به:

The call by PCA official Dane Ratliff to adopt the PCA's Environmental Rules as the implementation annex called for in UNFCCC Art. 14 (2) (b) (Earth Negotiations Bulletin, 23 July 2001, p. 2, www.iisd.ca/climate/cop6bis/enbots).

۹۵. بنگرید به پانوشت شماره ۴۹.

96. See Shigeru Oda, *The ICJ Viewed from the Bench* (1976-1993), 244 *Recueil des Cours* 13, 144 (1993)

(او بر این عقیده است که «تأسیس یک دیوان دادگستری موازی با دیوان بین‌المللی دادگستری... اشتباه بزرگی خواهد بود»).

Gilbert Guillaume, *The Future of International Judicial Institutions*, 44 *ICLO* 848 (1995) and Sir Robert Jennings, *The Role of the International Court of Justice in the Development of International Environmental Protection Law* (1992), in *Collected Writings of Sir Robert Jennings*, vol. I, 67 (1998). See also Philip Jessup, *Do New Problems Need New Courts?* 65 *Proceedings of the ASIL* 261 (1971).

۹۷. البته باید یاد آور شد که در سطح منطقه‌ای گرایش‌هایی به سمت تصمیم‌گیری قضایی تخصصی وجود دارد. پیمان نیس (که هنوز اجرایی نشده <http://europa.eu.int/eur-lex/en/treaties/dat/nice-treaty-en.pdf>) مقرر می‌دارد که «شورای [اروپا]... می‌تواند هیات‌هایی را برای رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد دعاوی ویژه که در بخش‌های خاصی مطرح می‌شوند، در مرحله بدوی دایر کند» (ماده ۲۲۵ بند الف پیمان مربوط به اتحادیه اروپا یا معاهده آمستردام). تصمیمات این «هیأت‌های قضایی» ممکن است منوط به حق تجدیدنظرخواهی در دادگاه بدوی باشند که اجرای تصمیمات این دادگاه در جای خود بسته به تجدیدنظر و بازنگری از سوی دیوان دادگستری اروپا است «در مواردی که خطر شدیدی بر ضد وحدت یا هماهنگی حقوق جامعه وجود دارد» (ماده (۲) ۲۲۵).

98. World Environmental Organisation

۹۹. در مورد دیدگاه‌های حقوقی راجع به تأسیس یک سازمان

دیوان جهانی محیط زیست، مانند هر دیوان دیگری، باید دولتها و همچنین عوامل غیردولتی را و ادار به رعایت حقوق بین‌المللی محیط زیست کند. اعمال حاکمیت قانون از طرف یک دستگاه قضایی مستقل (نه یک رکن سیاسی) می‌تواند کار آیی و اجرای حقوق بین‌المللی محیط زیست - از سوی دولتهای ثروتمند و غنی - را بهبود بخشد. این دیوان می‌تواند قابلیت پیش‌بینی و ثبات را به نظام بین‌المللی وارد سازد و انجام این امر با اصول و قواعد حقوقی - که پشتوانه آنها نظرات علمی دقیق است - امکان‌پذیر است نه از راه فشار سیاسی یا اقتصادی.

دیوان بین‌المللی محیط زیست نباید تنها جبران خسارتها را در نظر بگیرد، بلکه باید به ارزیابی اجرای آرای خود نیز بپردازد و از روشهای تشویقی یا راه‌حلهای تعدیل یافته برای تسریع اجرای آرای خود بهره‌گیری کند.

یادداشتها

۹۲. در مورد نظریه طرفداران ضرورت تشکیل یک دیوان بین‌المللی محیط زیست بنگرید به:

Kenneth McCallion and Rajan Sharma, *Environmental Justice without Borders: The Need for an International Court of the Environment to Protect Fundamental Environmental Rights*, 32 *GWJ. Int'l L. & Econ.* 351 (2000); Alfred Rest, *The Indispensability of an International Environmental Court* 7 *RECIEL* 1998, 63; Amedeo Postiglione, *A More Efficient International Law on the Environment and Setting Up of an International Court for the Environment Within the United Nations*, 20 *Envtl. L.* 321 (1990).

و همچنین در مورد مبنای دیوان بین‌المللی محیط زیست رجوع کنید به:

(<http://www.xcom.it/icef>).

در مورد آگاهی از نظریه مخالفان بنگرید به:

Sean Murphy, *Does the World Need A New International Environmental Court*, 32 *CWJ. Int'l L. & Econ.* 333 (2000); Ellen Hey, *supra* note 89; Philippe Sands, *supra* note. 4.

(نامبرده (در ص ۱۶۴۰) چنین جمع‌بندی می‌کند: «باید امکان تشکیل چنین دیوانی را در صفحه ذهنمان نگه داریم، اما هنوز زمان تشکیل آن فرا نرسیده است»).

Yale L.J. 273 (1997).

۱۰۵. برای دستیابی به یک ارزیابی سیستماتیک از دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی و همچنین قواعد شکلی آنها بنگرید به: پروژه

راجع به دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی (PICT) واقع در: (<http://www.pict-pecti.org>)

106. See (Fisheries Jurisdiction Case, Spain V. Canada), supra note 60.

۱۰۷. بنگرید به پانوشت شماره ۷۲.

۱۰۸. بنابراین محدود کردن صلاحیت دیوان بین‌المللی محیط زیست تا اندازه زیادی ایراد هلن هی (Hellen Hey) بر ضد دیوان بین‌المللی محیط زیست، در مورد ابهام تعریف «اختلافات زیست محیطی بین‌المللی را بر طرف می‌سازد». (بنگرید به پانوشت شماره ۹. صص ۱۴-۴)

۱۰۹. در مورد تعارض صلاحیتها بنگرید به:

Joost Pauwelyn, *The Role...* supra note 102, at 556-559.

۱۱۰. بنگرید به پانوشتهای شماره ۴۹ و ۵۰.

۱۱۱. در مورد دیدگاه حامی و مدافع بنگرید به:

Ellen Hey, supra note 89, at 15-16.

۱۱۲. بنگرید به پانوشت شماره ۱۰۳.

محدود کردن انتصاب متخصصین حقوق بین‌المللی محیط زیست یا دیپلماتهای پیشین حقوق بین‌المللی محیط زیست در دیوان بین‌المللی محیط زیست تا اندازه‌ای به انتقاد قاضی ادا (Judge Oda) در مورد دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها پاسخ می‌دهد. قاضی ادا بر این باور بود که «بحث دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها بوسیله تمایلات فردی پاره‌ای از هیاتهای نمایندگی در کنفرانس سوم ملل متحد در مورد حقوق دریاها (UNCLOS III) و کمیسیون مقدماتی و دیگر حقوقدانانی که علاقه‌مند به کسب مناصبی در ارکان قضایی بین‌المللی بودند، تقویت شده است» (Judge Oda, supra note 96, 145).

۱۱۳. در این زمینه بنگرید به ماده ۲۴ مواد پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌المللی در مورد مسوولیت دولت (۲۰۰۱) (پانوشت شماره ...). این ماده قواعدی را در مورد استناد به مسوولیت از سوی «دولتهای زیان دیده» و همچنین «دیگر» دولتها در صورتیکه، «تعهد نقض شده به واسطه گروهی از دولتها از جمله دولت مزبور و برای حمایت از یک منفعت جمعی این گروه احراز می‌شود» بیان می‌دارد. (ماده ۴۸ بند ۱ شق الف). همچنین بنگرید به ماده ۴۶ در مورد «اکثریت دولتهای زیان دیده».

۱۱۴. فصل یازده نفتا نمونه خوبی از پویایی اعطای جایگاه به عوامل غیر دولتی است. بر اساس این فصل سرمایه‌گذاران خصوصی می‌توانند بر ضد اعضای نفتا طرح دعوا کنند. در

جهانی محیط زیست بنگرید به:

Karen Tyler Farr, *A New Global Environmental Organization*, 28 *Ga. J. Int'l & Comp. L.* 493 (2000); Daniel Esty, *The Case for a Global Environmental Organization*, in Peter Kenen (ed.), *Managing The World Economy* 287 (1994) and Catherine Tinker, *Environmental Planet Management by the United Nations: An Idea Whose Time Has Not Yet Come?* 22 *N.Y.U. J. Int'l L. & Pol.* 793 (1991).

۱۰۰. در اینجا اهمیت اصل «تکرار عامل» (repeat-player) را نیز نباید نادیده گرفت. دولتها ممکن است نسبت به همکاری با دادگاههای تخصصی علاقه‌مندتر باشند اگر بدانند که روزی خود خوانهان و دیگری خواننده خواهد بود.

۱۰۱. برای آگاهی از نظریه طرفداران بنگرید به:

Ben Kingsbury, *Foreword: Is the Proliferation of International Courts and Tribunals a Systemic Problem?*, 31 *N.Y.U. J. Int'l L. & Pol.* 679 (1999); Jonathan Charney, *Is International Law Threatened by Multiple International Tribunals?* 271 *Receuil des Cours* 101 (1998); and *Implications of the Proliferation of International Adjudicatory Bodies for Dispute Resolution*, *ASIL Bulletin* 9 (1995).

در این زمینه پاره‌ای از علمای حقوق بین‌المللی نظرات محتاطانه‌تری را ابراز کرده‌اند، از جمله بنگرید به:

سخنرانی قاضی ژیلبرت گیوم (Judge Gilbert Guillaume)، رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری، در کمیته ششم مجموع عمومی ملل متحد، ۱۲۷ اکتبر ۲۰۰۰ با عنوان:

The Proliferation of International Judicial Bodies: The Outlook for the International Legal Order

برای دستیابی به متن این سخنرانی بنگرید به: ([http://www.icj-](http://www.icj-cij.org/icjwww/ipresscom/SPEECHES/ispeech/President-Guillaume-Sixth-Committee-20001027.htm)

<http://www.icj-cij.org/icjwww/ipresscom/SPEECHES/ispeech/President-Guillaume-Sixth-Committee-20001027.htm>)

همچنین بنگرید به:

Ellen Hey, supra note 89.

102. See Joost Pauwelyn, *The Role of Public International Law in the WTO: How Far Can We Go?* 95 *AJIL* 535 (2001) and *Enforcement and Countermeasures in the WTO: Rules are Rules - Toward a More Collective Approach*, 94 *AJIL* 335-347 (2000).

103, Sean Murphy, op. cit., supra note 79, p. 344. See also Jeffrey Dunoff, op. cit., supra note 48, p. 1108

۱۰۴. مطالب این بخش تاحدی مبتنی بر مقاله زیر است:

Laurence Helfer and Anne-Marie Slaughter, *Towards a Theory of Effective Supranational Adjudication*, 107

شماره ۶۵.

۱۲۶. همانگونه که در اختلافات سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد؛ بنگرید به:

Joost Pauwelyn, **Expert Advice in WTO Dispute Settlement**, paper presented at Columbia Law School, New-York, October 2001.

۱۲۷. در این زمینه بنگرید به:

the Additional Procedure on amicus curiae briefs adopted by the Appellate Body in the EC- Asbestos case (supra note 53), WT/DS135/9, 8 November 2000.

۱۲۸. برای نمونه، هیاتهای سازمان تجارت جهانی چند بار از سازمان مالکیت معنوی نظرات مشورتی را درخواست کرده‌اند. بنگرید به پانوشتم شماره ۱۲۶.

۱۲۹. بنگرید به ماده (۴) ۳۶ پیمان منشور انرژی.

(<http://ecs.icl.be/english/fulltext/treaty36.html>)

۱۳۰. این امر ممکن است موضوع ثبات سازمان تجارت جهانی را مطرح کند. با وجود این، به نظر می‌رسد، تا هنگامی که طرف‌ها بر قاعده‌ای که تحریمهای تجاری را می‌توان در زمان عدم پیروی از آرای دیوان بین‌المللی محیط‌زیست تحمیل کرد، توافق کرده باشند. قاعده مزبور باید بتواند یک دفاع معتبر (مانند قاعده خاص (lex specialis) قلمداد شود (همانند آنچه که در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی اعمال می‌شود). بنگرید به: Joost pauwelyn, *The Role...*, supra note 102.

۱۳۱. در این زمینه بنگرید به مرکز مشاوره نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی (<http://www.itd.org/links/acwlintro.htm>)

که چندی پیش توسط گروهی از دولتهای عضو تأسیس شد. این مرکز، مشاوره حقوقی ارزان یا حتی رایگان به کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته ارائه می‌دهد. در جلسه گشایش این مرکز (۵ اکتبر ۲۰۰۱) مایک مور (Mike Moore)، دبیر کل سازمان تجارت جهانی، این واقعه را «یک لحظه تاریخی (کوچک) در نوع خود» دانست که نشانگر «نخستین باری است که یک مرکز معاضدت قضایی واقعی در

نظام حقوقی بین‌المللی، با هدف از بین بردن احتمالات نابرابر دسترسی به عدالت بین‌المللی بین دولتها تأسیس شده است».

بنگرید به:

(<http://www.wto.org/english/news-e/spmm-e/spmm71-e.htm>).

132. Boyle, op. cit. 229.

(او می‌نویسد: «توسعه قواعد حقوق بین‌المللی در رابطه با حمایت از محیط‌زیست در صورتی اهمیت خواهد داشت که بتواند با ابزار کارآمدی برای تضمین اجرا و رعایت قواعد مزبور همراه باشد»).

حقیقت فصل یازده به شماری از دعاوی منجر شده است و با اطمینان در مورد آنها می‌توان گفت که دولت دارای نفع هرگز آنها را طرح نکرده‌اند. در این زمینه بنگرید به:

(<http://www.naftaclaims.com>).

115. See Daniel Bodansky, **The Legitimacy of International Governance: A Coming Challenge for International Environmental Law?** 93 AJIL 596, 601 and 611 (1999).

۱۱۶. در این خصوص بنگرید به ماده ۱۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا تحقیقات یا پیگرد را متوقف کند.

۱۱۷. در این زمینه ماده ۴۷ مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌المللی در مورد مسوولیت دولت را در نظر داشته باشید. (پانوشتم شماره ۸۷).

118. See Geoffrey Palmer, **New Ways To Make International Environmental Law**, 86 AJIL 259 (1992) and Bodansky, supra note 102, at 607.

119. Bodansky, supra note 102, at 605.

بودانسی در این زمینه اشاره می‌کند به «مشروعیت قانونی» (تا حدی که اقتدار در عرصه بین‌المللی از سوی نهادها اعمال می‌شود نه قواعد بین‌المللی به طور مستقیم... از این رو موافزون بر رضایت عام همچنین به مفهوم «مشروعیت قانونی» (شرط همسازي و همراهی با قانون) - نیاز داریم.

120. In support: Ellen Hey, supra note 89, at 16-17.

۱۲۱. همانگونه که بودانسی (در پانوشتم شماره ۱۰۲، ص ۶۱۰) مطرح می‌کند: «پرسش این است که آیا نهاد اجرایی... [از طریق رضایت خود از حقوق بین‌المللی محیط‌زیست] می‌تواند از نظر قانونی عوامل غیر دولتی را ملزم کند. این پرسشی است که مورد توجه تئوری سنتی راجع به اقتدار دولت نیست. تمرکز این تئوری بیشتر بر اقتدار حقوق بین‌المللی در ارتباط با دولتها در برابر یکدیگر و نه اقتدار دولتها بر افراد (که تئوری رضایت دولت این مورد را مسأله‌ای مربوط به حقوق داخلی قلمداد می‌کند) است.

۱۲۲. بنگرید به پانوشتم شماره ۶۴.

۱۲۳. بنگرید به ماده (پ) (۳) ۳۱ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات (۱۹۶۹). بر اساس این ماده هنگام تفسیر یک معاهده لازم است که افزون بر متن، سیاق و موضوع و هدف یک مورد خاص قرار دادی، «هرگونه قاعده ذیصلاح حقوق بین‌المللی قابل اعمال در روابط بین طرفین» را مورد نظر قرار دهیم.

124. See Joost Pauwelyn, *the Role...* supra note 102.

۱۲۵. برای آشنایی با یک الگو در این خصوص بنگرید به پانوشتم